

مادر من حضرت زهراست!

۱۳۰۸ در کرمانشاه متولد و در محضر پدرش آیت‌الله سید محمدرضا واحدی تربیت شد. پس از تحصیل حوزوی در تهران و قم، به نجف هجرت کرد و با سید مجتبی نواب صفوی آشنا شد و در تشکیل گروه «فداییان اسلام» همگامش بود. نطق‌های این مدیر توانا و مرد شماره دو فداییان اسلام در مدرسه فیضیه و دیگر اماکن قم، موج به پا می‌کرد.

اسفند ۲۹ بود که او در حضور انبوه مردم در مسجد شاه، با محکوم کردن دخالت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا گفت: «مردم ایران دولتی می‌خواهند که احکام اسلام را اجرا کند.» سید جوان در پایان سخنرانی پرشور دوساعته خود، تهدید کرد که اگر رزم‌آرا تا سه روز دیگر از دولت کنار نرود، او را کنار خواهند زد! سه روز بعد، دوستش، خلیل طهماسبی کار رزم‌آرا را تمام کرد.

چند سال بعد وقتی دستگیرش کردند، به مجرد اینکه داخل دفتر رئیس شهربانی کل کشور می‌شود، تیمور بختیار فحش مادر به او می‌دهد. او هم می‌گوید مادر من زهراست، مادر فلان خودت هستی! می‌خواهد صندلی را به سمت بختیار پرت کند که بختیار اسلحه را می‌کشد و سه تا تیر به او می‌زند. روزنامه‌ها هم می‌نویسند: در حال فرار، کشته شد! یعنی می‌شود ما هم چون او باشیم؛ مثلاً از هیچ کس نترسیم؟

